

#### یادداشت

## پول مشترک اسلامی امکان‌پذیر است؟

### مهدی خاکی‌فیروز

رئیس‌جمهور در سفر اخیر خود به عراق، بحث حذف تدریجی مرز بین کشورهای اسلامی را مطرح کرد؛ ایده‌ای که برخی آن را بلندپروازانه می‌دانند و برخی غیرممکن. این کار که شاید بتوان آن را نوعی الگوبرداری از تشکیل اتحادیه اروپایی دانست، به رغم موانع بسیار زیادی که در مسیر اجرایی شدن دارد، ایده غیرممکنی نیست. همچنان که در نخستین سال‌های تلاش برای تشکیل اتحادیه یورو، تصویر امروزی از پول واحد، تسهیل تردد و… در بین کشورهای اروپایی که خاستگاه دو جنگ بزرگ جهانی بودند، وجود نداشت. نگارنده این یادداشت پیش از این در سال ۱۳۹۸ در سرمقاله روزنامه صبح کابل، ایده نسبتاً مشابهی را در سطح کشورهای اسلامی خاورمیانه مطرح کرد که در برخی روزنامه‌های پاکستان و ترکیه نیز بازتاب داشت.

تسهیل تردد مرزی، بخشی از ایده بزرگ‌تری است که شامل جنبه‌های مختلفی ازجمله ایجاد بانک مرکزی مشترک و انتشار تدریجی پول مشترک بین کشورهای اسلامی نیز می‌شود و می‌توان این ایده‌ها را در کنار هم مورد بررسی قرار داد.

حدود ۲۰ سال از طرح ایده پول مشترک کشورهای اسلامی در اجلاس سران کشورهای اسلامی در پوتراچایا مالزی می‌گذرد؛ ایده‌ای که می‌تواند به تسهیل تبادل‌های مالی و تجاری کشورهای اسلامی و همچنین افزایش سهم تبادل گردشگر بین آنها کمک کند. رفع موانع گمرکی، همسویی و هم‌نواپی برای شکل‌گیری و تقویت بازار مشترک اسلامی و همچنین بهبود پیشرفت اجتماعی و اقتصادی به صورت متعادل و پایدار، از دیگر مزایایی است که برای پول واحد کشورهای اسلامی ذکر می‌شود.

تجربه شکل‌گیری پول مشترک اتحادیه اروپایی (یورو) و فرصت‌ها و چالش‌های آن می‌تواند در بررسی و اجرای ایده پول مشترک اسلامی راهگشا باشد؛ هرچند این ایده در کشورهای اسلامی از چند ویژگی دیگر هم برخوردار است، نخست آنکه کشورهای اسلامی برخلاف کشورهای اروپایی همگی همسایه هم نیستند. شاید به همین دلیل است که شاهد بحث‌هایی در مورد دیدار مشترک کشورهای عربی در سال‌های اخیر هستیم که برش جغرافیایی و زبانی خاصی از کشورهای اسلامی را تحت پوشش قرار می‌دهد. همچنین کشورهای اسلامی برخلاف کشورهای اروپایی، فعلاً برنامه‌ای برای ائتلاف‌های عمیق‌تر از قبیل تشکیل مجلس و نیروی نظامی مشترک ندارند. هرچند آنتجان که رهبر انقلاب تأکید فرموده‌اند، سازمان کنفرانس اسلامی باید بتواند پارلمان بین‌المجالس کشورهای اسلامی را تأسیس کند، بازار مشترک اسلامی را از صورت یک آرزوی دور، به یک واقعیت تبدیل کند و دیوان دآوری اسلامی را بی‌پای‌ریزی کند.

دیگر مسئله‌ای که باید به آن توجه کرد، قرانت‌های فقهی متفاوتی است که در کشورهای اسلامی در مورد بانکداری اسلامی وجود دارد که هم‌گرایی پولی را دشوار می‌کند. با این حال تشکیل کمیته‌های فقهی اسلامی چندمذهبی می‌تواند زمینه‌گفت‌وگو و تفاهم نسبی در این عرصه را فراهم کند.

برخی اقتصاددان‌ها معتقدند که با توجه به اقتصاد متفاوت و ناهمکن کشورهای اسلامی، اجرای یکباره این طرح در تمام کشورهای اسلامی ممکن نیست و از تفاوت شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تورم و رشد پایه پولی به عنوان چالش‌های پیش‌رو برای ایجاد پول مشترک اسلامی یاد می‌کنند. این در حالی است که هم‌گرایی پولی در کشورهای اسلامی می‌تواند به بهبود اقتصادهای کلان اقتصادی در این کشورها کمک کند. اگر نگاهی به نرخ برابری پول‌های رایج در بازار بین کشورها از قبیل دلار، یورو، یوآن و… بیندازیم، می‌بینیم که اغلب این پول‌ها نرخ تورمی جزئی را تجربه می‌کنند، این به معنی آن است که وقتی بین دو کشور اسلامی مبادله کالا، خدمات یا حتی سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، به دلیل استفاده از ارزهای کشورهای اسلامی، مالیات غیرمستقیم و تورمی توسط کشورهای اسلامی به کشورهای غیراسلامی پرداخت می‌شود. در حالی که حدود ۲۳ درصد جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، کشورهای اسلامی سهم حدود ۱۵درصدی درآمد ناخالص جهان را در اختیار دارند. بخشی از این ناترازی، از طریق اصلاح مکانیسم‌های مالی و بانکی فراملی قابل اصلاح است. اما رقم تاسف‌بارتر، سهم کشورهای اسلامی از سرمایه‌گذاری خارجی است که هفت درصد مبادلات جهانی در این بخش را به خود اختصاص داده‌اند. بی‌شک هم‌گرایی بانکی و در نهایت ایجاد پول مشترک اسلامی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

در مسیر مباحث مربوط به ایجاد پول مشترک کشورهای اسلامی، موانعی فرهنگی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه ترکیه که از یک سو تلاش می‌کند عضوی از اتحادیه اروپا و پول مشترک اروپایی باشد، خود را گزینه برتر در زمینه میزبانی دبیرخانه پول مشترک اسلامی نیز می‌داند. مالزی و اندونزی به بزرگی سیستم بانکی خود به عنوان یک مزیت اشاره می‌کنند در حالی که بخش مهمی از این سیستم بانکی، در اختیار سرمایه‌گذاران غیراسلامی است که انگیزه چندانی برای مشارکت بانک‌های متبوع خود در ایجاد پول مشترک اسلامی نشان نمی‌دهند. اما اگر مزیت‌های پول مشترک اسلامی برای کشورهای عضو را مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که مصلحت پولی و مالی این کشورها، همفکری و تلاش برای دستیابی منصفانه به واحد پولی مشترک است. ایده‌ای که اکنون به دلیل عدم تلاش‌های کشورهای عضو، ممکن است بلندپروازانه به نظر برسد ولی مسیری است ممکن و مفید. حتی اگر به کمترین منافع این سیستم یعنی نظام کارمزد خدمات بین بانکی در بازار پولی جهانی نگاه کنیم، منافعی چند میلیارد دلاری برای کشورهای اسلامی به همراه خواهد داشت. همچنین الزامات فقهی مورد توافق همه مذاهب اسلامی اقتضا می‌کند که سیستم بانکی کشورهای اسلامی، تعاملات نزدیک‌تری داشته باشند و روابط خود را تحت پروتکل‌های اسلامی تنظیم کنند و از تسلط بانک‌های غیراسلامی تا حد ممکن رهایی یابند. یکی از پیش‌شرط‌های ایجاد پول مشترک اسلامی، محدودکردن دامنه نوسان نرخ تورم در کشورهای عضو است. در حال حاضر ایران و ترکیه به عنوان رتبه اول و دوم نرخ تورم در بین کشورهای اسلامی، شرایط مناسبی برای پیوستن به یک اتحادیه پولی و مالی در حد و اندازه انتشار پول مشترک را ندارند. به همین دلیل، اصلی‌ترین شرط شروع مذاکرات در این بخش، توجه جدی همه کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران و ترکیه، به اجرای سیاست‌های پولی غیرتورمی است. در واقع ایده پول مشترک اسلامی و مذاکرات آن، خود می‌تواند عاملی برای جدی‌گرفتن اصلاحات عمیق اقتصادی در داخل این کشورها باشد. شاید اگر نگریم‌نگاهی به اندازه بسیار بزرگ‌تر بانک‌های کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا کنیم، انگیزه بیشتری برای تحکیم روابط مالی با این کشورها ایجاد شود.

**❗ اقتصاد ایران مدت‌هاست بلاتکلیف احیای برجام است اما حالا وزیر خارجه دولت چهاردهم می‌گوید که برجام احیا نمی‌شود، چرا برجام احیا نمی‌شود؟**

درست است. احیای برجام دیگر ناممکن به نظر می‌رسد و واقعیت این است که سیاست خارجی کشور با چنان کره‌های کوری مواجه است که به بار سنگینی روی دوش دولت چهاردهم تبدیل شده است. این شرایط به مراتب از وضعیت دولت‌های یازدهم و دوازدهم و حتی دولت سیزدهم پیچیده‌تر است و باید گفت که دولت چهاردهم در سیاست خارجی یک ویرانه کامل را تحویل گرفته است.

**❗ وضعیت چه تغییری کرده‌است؟**

زمانی که دولت یازدهم پای میز مذاکره با غرب نشست، قدرت‌های جهانی درباره مذاکره با ایران اشتراک نظر داشتند اما هم‌اکنون هیچ چارچوبی برای توافق با ایران وجود ندارد و قدرت‌های جهانی درباره رویکرد مواجهه با ایران هیچ‌گونه اشتراک نظری ندارند. همین مسئله از اساس گفت‌وگو با ایران را دشت‌وارتر از همیشه کرده است.

**❗ سر کار آمدن یک دولت میانه‌رو در ایران توانسته است نگاه جهان را درباره مذاکره با ایران تغییر دهد؟**

متأسفانه این اتفاق نیفتاد و ما شاهد بودیم در حالی که آمریکا درگذشت ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم را تسلیت گفت، انتخاب مسعود پزشکیان به ریاست‌جمهوری را تبریک نگفت و کشورهای بلوک غرب با ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان بسیار سرد برخورد کردند. این مسئله از نگاه رئیس‌جمهوری ایران دور نماند و پزشکیان هم در یادداشتی که از او در روزنامه تهران‌تایمز به زبان انگلیسی منتشر شد، از روسیه و چین به عنوان شرکای استراتژیک ایران نام برد و قدردانی کرد. **❗ یعنی اعتقاد دارید مذاکره با آمریکا از دست‌ور کار دولت چهاردهم خارج شده‌است؟**

خیر. من فکر می‌کنم که دولت چهاردهم نگاه واقع‌بینانه‌ای به سیاست خارجی دارد. از یک طرف روسیه و چین و بلوک شرق را در معادلات سیاست خارجی خود مهم می‌شمارد و از سوی دیگر پزشکیان، عباس عراقچی را به سمت وزیر خارجه خود برگزید؛ سیاست‌مداری که سابقه طولانی مذاکره با غرب را دارد و در عالم سیاست غرب، چهره‌ای شناخته‌شده است. در واقع دولت چهاردهم نه مانند دولت‌های یازدهم و دوازدهم تا سیفته تعامل با غرب است و بلوک شرق را نادیده می‌گیرد و نه مانند دولت سیزدهم شیفته بلوک شرق است و دولت‌های غربی را نادیده می‌گیرد. به نظر می‌رسد دولت چهاردهم توازن منفی بین قدرت‌های بزرگ را در نظر گرفته و در عین حال در حال تعمیم روابط خود با همسایگان است. این مسئله در واقع الگوی سنتی سیاست خارجی ایران بوده است و با عقلانیت نسبت نزدیک‌تری دارد. ضمن اینکه کشورهای منطقه هم این سیاست را در پیش گرفته‌اند و در حقیقت از الگوی سنتی سیاست خارجی ایران گره‌برداری کرده‌اند.

**❗ روابط باغرب به کجا می‌رسد؟**

پاسخ به این پرسش دشوار است، زیرا در حال حاضر مهم‌ترین چالش برای گفت‌وگو با غرب، یافتن یک چارچوب جدید است؛ چراکه برجام دیگر کارکرد ندارد و در حال حاضر



## چرایی ناممکن بودن احیای برجام و دشواری رفع تحریم‌های اقتصادی در گفت‌وگو با علی واعظ، کارشناس ایرانی اندیشکده گروه بین‌المللی بحران

# کوره‌راه مذاکره با آمریکا

**شرق: اقتصاد ایران سال‌هاست در موج اخبار تحریم و مذاکره معلق مانده است؛ تعلیقی طولانی که گاه به موج خروج سرمایه از کشور رسیده است و گاه به خاموشی چراغ کارخانه‌ها و دست به دست شدن سرمایه در بازارهای واسطه‌ای و دلالی تا دارایی افراد از شوک‌های ناغافل در امان بماند. پیروزی مسعود پزشکیان به عنوان چهره‌ای میانه‌رو در چهاردهمین انتخابات**

مسائل هسته‌ای و فراهسته‌ای در سیاست خارجی به هم گره خورده است. این در حالی است که در زمان امضای برجام، منافع مشترکی وجود داشت که قدرت‌ها را سر میز مذاکره بنشاند؛ در آن زمان ایران در ماجرای شبه‌جزیره کریمه یا جنگ سوریه و یمن مواضعی نزدیک به روسیه داشت. در عین حال روسیه و چین تمایلی به هسته‌ای شدن ایران نشان نمی‌دادند. از آن سو بلوک غرب هم دنبال رفع بحران شبه‌جزیره کریمه و مسائل سوریه و یمن بود و مخالف هسته‌ای شدن ایران. تلاش برای رفع این چالش‌ها و جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران، منافع مشترکی ایجاد کرد تا قدرت‌ها را سر میز مذاکره بنشاند. اما حالا شرایط بسیار متفاوت شده است. برنامه هسته‌ای ایران به پیشرفت فرقابل برگشت رسیده است و دیگر فرمول محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران کارایی ندارد. در جنگ اسرائیل و غزه هم که آمریکا هرگز حاضر نمی‌شود دست از حمایت از اسرائیل بردارد. از سوی دیگر تجربه رفع تحریم ایران، برای غرب دستاورد اقتصادی داشت و از آن سو آمریکا هم ثابت کرده که قابل اعتماد نیست و نهایتاً دونالد ترامپ از برجام خارج شد، بلکه جو بایدن هم برای آزادسازی منابع بلوکه ایران در کره جنوبی بدعهدی کرد. بنابراین شرایط امروز بسیار پیچیده است و احیای برجام عملاً ناممکن شده است.

**❗ نتیجه انتخابات آمریکا چه تأثیری بر مذاکره با ایران خواهد گذاشت؟**

اگر خانم کاملا هریس به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا انتخاب شود، راه اوپاما و بایدن را در مواجهه با ایران ادامه می‌دهد و رویکرد واقع‌بینانه‌ای در پیش خواهد گرفت. ضمن اینکه مشاور او فلیپ گوردون است که بد طولبای در مذاکرات آمریکا در عمان و خاورمیانه دارد. من فکر می‌کنم خانم هریس توافق موقت و کوتاه‌را در پیش بگیرد و در ازای منجمدکردن بخشی از برنامه هسته‌ای ایران، امتیازات اقتصادی بدهد. اما اگر دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا انتخاب شود رویکرد متفاوتی در پیش می‌گیرد. ترامپ و دولت‌مردان او معتقد هستند که جو بایدن با اجرانکردن سخت‌گیرانه تحریم ایران، اهرم‌های مذاکراتی را تضعیف کرده است؛ بنابراین ترامپ فشار حداکثری را به اوج می‌رساند و اروپایی‌ها مکانیسم ماشه را اجرا کرده و تحریم‌های شورای امنیت برمی‌گردد و حتی ممکن است ترامپ ایران را روی ریل برخورد نظامی قرار دهد تا بتواند با تقویت اهرم‌های مذاکره، با ایران سر میز گفت‌وگو بنشیند و امتیاز بگیرد.

**❗ در مواردی از هر دو طرف ایران و آمریکا شنیده می‌شود که تحریم‌های اثر بوده است. شما درباره این ادعا چه فکری می‌کنید؟** این ادعاها بیشتر شعارهایی برای تریبون‌های سیاست‌مداران است، اما واقعیت این است که تحریم، غل و زنجیر سنگینی به پای اقتصاد ایران بسته است.

درست است که اقتصاد از پای درنیامده، اما نهایتاً توسعه متوقف شده است بلکه مشکلات به زیرساخت‌های اقتصادی رسیده و چالش‌های بزرگ هشداردهنده‌ای در اقتصاد کشور بروز و ظهور کرده است. این در شرایطی است که کشورهای همسایه به سرعت مسیر پیشرفت خود را ریل‌گذاری کرده و در حال پشت سر گذاشتن ایران هستند. ضمن اینکه سود تحریم ایران به جیب

اقتصاد سایر کشورها ازجمله همسایگان و چین رفته است. بنابراین رفع تحریم برای اقتصاد کشور یک الزام است. **❗ در دولت سیزدهم عده‌ای با طرح اصطلاح زمستان سخت اروپا تلاش کردند از مذاکرات امتیاز بگیرند، چرا این تلاش به شکست انجامید؟**

آن مسئله یک اشتباه محاسباتی صرف بود، زیرا مزاد نفت ایران تنها در حدود یک تا یک‌ونیم میلیون بشکه نفت در روز است و این میزان نفت قدرت چندانی برای اثرگذاری در بازار جهانی ندارد. از آن سو، رشد اقتصادی چین کند شده و تقاضای نفت این کشور کاهش داشته است. بنابراین با کاهش تقاضای نفت چین هم قیمت‌ها در بازار جهان کاهش خواهد بود و نفت به دلیل اینکه چین مشتری اصلی نفت ایران است، درآمد همی به کشور کاهش خواهد داشت. ضم اینکه با ادامه جنگ در اوکراین، گزینه‌های جایگزین گاز روسیه در اروپا به سرعت روی میز قرار گرفت و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این زمینه رخ داد. ضمن اینکه تحریم روسیه سبب شد که این کشور به بازارهای ایران دست‌اندازی کند و نتیجه اینکه طرح مسئله زمستان سخت اروپا از سوی متولیان دولت سیزدهم بسیار خام‌دستانه بود و به راحتی می‌شد فهمید که ایران نمی‌تواند با این کارت بازی کند.

**❗ کندشدن رشد اقتصادی چین و نیاز روسیه به درآمد بیشتر برای معارج جنگ می‌تواند انگیزه این دو ابرقدرت را برای رفع تحریم ایران تضعیف کند؟**

بله حتماً می‌تواند. طبیعی است که با کندشدن رشد اقتصادی چین، این کشور به نفت ارزان و تحریمی ایران و حتی روسیه نیاز دارد و از آن سو با رفع تحریم نفت ایران و افزایش عرضه به بازار جهان، قیمت نفت کاهش خواهد بود. ضمن اینکه ایران می‌تواند جایگزین روسیه در بازار گاز اروپا شود که هر دو این مسئله‌ها به نفع روسیه نیست.

**❗ نگاه همسایگان ایران به رفع تحریم‌های اقتصادی کشور چیست؟**

همسایگان ایران برای توسعه اقتصادی ریل‌گذاری کرده‌اند و سرمایه‌گذاری وسیعی انجام داده‌اند. بنابراین آنها تمایل ندارند که ایران دچار تنش و چالش جدی شود و این چالش منطقه را درگیر کند. از سویی همسایگان ایران تمایل ندارند که برنامه هسته‌ای کشور به راه‌های مخاطره‌آمیز بکشد. از آن سو تحریم ایران می‌تواند فرصت‌های اقتصادی متعددی برای همسایگان ایجاد کند. بنابراین تعلیق شرایط ایران و وضعیت فعلی برای آنها می‌تواند ایدئال‌ترین گزینه باشد. ضمن اینکه ایران در تعامل با همسایگان بعضاً دچار اشتباهات محاسباتی شده است و مثلاً در حالی که روابط را با عربستان حسنه کرده و اهرم فشار خود را از دست داده، هیچ امتیاز اقتصادی از این کشور دریافت نکرده است یا در ماجرای حمله به خاک پاکستان روابط بین دو کشور مخدوش شده و تبعات آن می‌تواند گسترده‌شدن سایه تهدید تروریسم در مرزهای شرقی باشد. به نظرم این مسائل نشان از ضعف دستگاه دیپلماسی است و دستگاه دیلماسی در دولت چهاردهم می‌توانند رویکردهای هوشمندانه‌تری نسبت به مسائل داشته باشد و منافع کشور را به صورت حداکثری تأمین کند.

# کسب رتبه ۱۶۲ بانک پاسارگاد در میان ۱۰۰۰ بانک برتر جهان



گفتنی است در رتبه‌بندی هزار بانک برتر جهان که توسط نشریه بنکر صورت می‌پذیرد، بانک‌ها بر اساس شاخص‌های مالی کلیدی در بخش ترانزنامه و صورت سود و زیان، سایر شاخص‌های مرتبط با تعداد مشتریان در بخش بانکداری خرد و شرکتی، کانال‌های پرداخت و تعداد کارکنان مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار گرفته و نتیجه دقیقی از وضعیت آنها ارائه می‌شود.

#### نگاه

## رئیس‌جمهور، بر نامه هفتم و نهاد پیشران مناطق آزادوویژه

### عبدالرسول خلیلی،وحدطالب‌پور\*

از آغاز فعالیت مناطق آزاد تجاری-صنعتی در سال ۱۳۷۲ که احکام مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره آنها صادر شد، مسئله‌ای که همواره به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی این مناطق مطرح بوده، جایگاه و وضعیت مدیریت مناطق و هم‌زمان کم‌توجهی دستگاه‌های اجرائی وابسته به قوه مجریه به واگذارکردن اختیارات خود حسب قانون به مناطق بوده است؛ نهادهایی‌که باید در پیشبرد مناطق آزاد نقش تعیین‌کننده‌ای می‌داشتند. این دستگاه‌ها باید برای ایجاد هماهنگی مطابق قانون و حسب مورد اختیارات خود را در هر منطقه به مدیران سازمان‌های مناطق تفویض می‌کردند یا مدیران، رؤسا و سرپرستان دستگاه‌های اجرائی مستقر در مناطق آزاد را بنا بر پیشنهاد مدیران عامل مناطق منصوب می‌کردند. به‌ویژه که مناطق آزاد تجاری-صنعتی بر اساس تعریف بین‌المللی سازمان کنفرانس تجارت و توسعه (انکتاد) باید همسو با مناطق پردازش صادرات، متناسب با نقش بین‌المللی و ملی اقتصاد تعریف شوند تا بتوان برای تحقق اهداف

و مأموریت‌های مناطق آزاد ایران از ظرفیت‌های جهانی اقتصاد بهره‌برداری کرد. مناطق آزاد ایران، به لحاظ میان‌بخشی بودن کارکردشان، سازمان‌هایی هستند که اکثر فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی وزارتخانه‌های کشور اعم از تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و گردشگری را در ابعاد داخلی و خارجی دربر می‌گیرند و حوزه‌های مختلفی مانند واردات، صادرات، امور گمرکی، جذب کالای مسافری و تجاری، ترانزیت، تولید، زیربانی، سرمایه‌گذاری، بانک، موسسات مالی و اعتباری، بورس، بیمه، تأمین اجتماعی، صدور روادید، ثبت شرکت، مالکیت‌های صنعتی و معنوی، نمایندگی خارجی و… را شامل می‌شوند. این فعالیت‌ها مستند به قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب هفتم شهریور ۱۳۷۲ و تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی بوده که به دولت اجازه داده شده تا حداکتر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور مانند کیش، قشم و جاپهاج مناطق آزاد تجاری-صنعتی تأسیس کند. این مناطق هم‌اکنون تعدادشان به ۱۸ منطقهٔ آزاد رسیده است. اضافه‌شدن این مناطق و شمار آنها سطح انتظارها را از عملکرد و نقش آفرینی مناطق در اقتصاد کشور به‌طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داده است؛ هرچند در میدان عمل این مناطق با بحران‌های بی‌شماری مانند تأمین منابع مالی، ایجاد زیرساخت‌ها، اعمال مدیریت یکپارچه، مالکیت اراضی و وجود معارضان، حذف مشقوق‌های کلیدی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در رقابت با مناطق کشورهای همسایه نظیر معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و بانکی، مداخلات طرح‌های توسعه‌ای مناطق با دستگاه‌های اجرائی و در نهایت عدم استدراک کامل از ظرفیت‌های قانونی مناطق از سوی مجریان محلی و… مواجه بوده‌اند. ضمن آنکه به نظر می‌رسد این انتظارها مولود ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مدیران دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیش از سه دهه از فعالیت مناطق آزاد نسل اول با پیشنهاد و تصویب قوانین و مقررات متضاد و ناهماهنگ با ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و مزایای مناطق آزاد موفق دنیا بوده است. اضافه بر اینکه در تحلیل و بررسی فرآیند چگونگی اخذ این تصمیمات ناهمگون، کرسی بخش خصوصی مناطق و کشور ناپیدا بوده است.

سیر این تحولات در ایجاد مناطق آزاد در دولت‌ها و مجالس مختلف از سال ۱۳۷۲ تاکنون نشان می‌دهد جایگاه و سطح سازمان‌های مناطق آزاد تجاری-صنعتی و به‌طور خاص دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را در اداره و مدیریت به‌گونه‌ای است که باید انتظارات پیشران بودن مناطق را برآورده کند. به این ترتیب امید می‌رود با اجرای دقیق ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور بتوان جایگاه دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی را در هیئت وزیران تعیین کرد و هم‌زمان با پیگیری کارکردهای مناطق ذیل ماده ۱۱۹ قانون برنامه، هم‌پیوندی عملکرد مناطق را با اقتصاد ملی و بین‌الملل دنبال کرد. در این صورت مناطق آزاد می‌توانند با جذب بیشتر نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی به‌منزله فرصتی متمایز، بویا و پیشرو با کارویژه‌های متناسب نیازها و شرایط پیچیده اقتصاد کشور، نقش‌های جدیدتری ایفاکنند.

مکارشناسان مناطق آزاد

دبیرخانه شورای عالی مناطق